



پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

بررسی گفتمانهای فعال در نهضت مشروطه

استاد راهنما:

حجة الاسلام دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

حجة الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک

نگارنده:

محمد رضا رنجبر

1385

آذر 1384

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

به مادر و پدرم که با همه مشکلات و سختی های زندگی ساختند
و چونان شمعی سوختند تا من به تحصیل بپردازم.
و همسرم که با تحمل تنگناهای زندگی ام مشوق من در علم
آموزی بود.

تقدیر و تشکر

”من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق“

بی شک گردآوری این پایان نامه محصول تلاش های یکنفر نمی باشد بلکه عزیزان دیگری نیز در آن ایفای نقش کرده اند. در همین راستا بر خود لازم می دانم که از الطاف بی دریغ استاد راهنما جناب آقای دکتر نجف لک زایی که از رهنمودهای مشفقانه ایشان بهره های کافی و وافعی برده ام و نیز از استاد مشاور جناب آقای دکتر غلامرضا بهروز لک که با دلسوزیهای خودشان چه در دوره کارشناسی و چه در دوره کارشناسی ارشد، این جانب را هدایت فرمودند کمال تشکر و قدردانی به عمل آورم.

چکیده

پژوهش حاضر در صدد بررسی نیروهای فعال در نهضت مشروطه با استفاده از روش تحلیل گفتمان می باشد. از اینرو مفروض ما این است که چهار گفتمان ولایت محور، شریعت محور، قانون محور و سلطنت محور در مشروطیت ایفای نقش نموده اند.

سه گفتمان نخست همگی بر علیه گفتمان سلطنت که گفتمانی استبدادی بود شکل گرفتند. در این میان دو گفتمان ولایت محور شریعت محور ریشه در نیروی مذهب دارند. با وجود اینکه هر دوی آنها دغدغه دین داشتند اما وجود تمایزی نیز در میان آنها وجود دارد. وجه اول به نوع نگاه آنها به احکام دینی بر می گردد. به این صورت که گفتمان ولایت محور معتقد است که در عصر غیبت امام زمان (عج) حاکمیت سیاسی باید بر عهده نایبان آنها یعنی فقهای عدول باشد تا بدینوسیله به اجرای شریعت بپردازد. بنابراین ولایت فقیه در جایگاه دال مرکزی قرار می گیرد و دیگر نشانه ها از جمله شاه، قانون، حریت و مساوات در جایگاه دال شناور قرار می گیرد.

در مقابل، گفتمان شریعت محور معتقد است که در زمان غیبت قدر مقدور اجرای شریعت است. بنابراین تمرکز چندانی بر ولایت فقیه ندارند. در این گفتمان شریعت دال مرکزی بوده و دیگر نشانه ها دال های شناور می باشند.

وجه دوم نیز که به نظر می رسد تأثیر مهمتری در تمایز میان دو گفتمان ولایت محور و شریعت محور داشته است نوع تلقی آنها از مشروطه است. گفتمان شریعت محور به لحاظ اینکه از کانون حوادث دور بوده و در نجف ساکن بودند. آن مشروطه آرمانی را در سر می پروراندند حال آنکه در تهران مشروطه به نحو دیگری فهمیده می شد و آن این بود که گفتمان قانون محور که ریشه در نیروی روشنفکری داشت در نوشته ها و جلسات متعدد خود مشروطه نوع غربی و سکولار را دنبال می کرد. به این دلیل گفتمان ولایت محور نیز که از نزدیک شاهد ماجرا بود بر خلاف تأیید اولیه مشروطیت فتوا به حرمت آن داد.

فهرست مطالب

8 <u>مقدمه:8 طرح تفصیلی تحقیق</u>
9 <u>1- بیان مسئله:</u>
10 <u>2- علت انتخاب موضوع و اهمیت آن:</u>
10 <u>3- سابقه پژوهش:</u>
10 <u>4- سؤال اصلی:</u>
10 <u>5- فرضیه‌های پژوهش:</u>
11 <u>6- مفاهیم</u>
11 <u>1-6-گفتمان (Discourse)</u>
12 <u>6-2- مشروطه:</u>
12 <u>6-4- قانون:</u>
13 <u>6-5- ولایت</u>
15 <u>6-6- شریعت:</u>
16 <u>7- سئوالات فرعی پژوهش:</u>

16	8- پیش فرض پژوهش:
16	9- روش پژوهش:
17	10- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها:
17	11- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:
17	12- سازماندهی پژوهش:
18	<u>فصل اول: کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری</u>
19	<u>مقدمه</u>
19	1- تعریف گفتمان:
22	2- مفاهیم گفتمان:
22	<u>مفصل بندی:</u>
23	<u>گفتمان:</u>
23	<u>عناصر:</u>
23	<u>لحظه‌ها:</u>
24	<u>انسداد و توقف:</u>
24	<u>دال مرکزی:</u>
24	<u>دال شناور:</u>
24	<u>میدان گفتمان‌گونگی:</u>
25	<u>منازعه و خصومت:</u>
25	<u>هژمونی:</u>
26	<u>گفتمان‌های عینیت یافته:</u>
27	<u>سوژه:</u>
28	<u>هویت جمعی:</u>

29.....	<u>3- تحلیل گفتمانی مشروطیت:</u>
30.....	<u>تشکیل فضای استعاری گفتمان مشروطه (استبدادستیزی):</u>
32.....	<u>جمع‌بندی:</u>

فصل دوم: گفتمان سلطنت‌محور.....

Error! Bookmark not defined...... مقدمه:

Error! Bookmark not defined...... 1. نظریه ساختاری:

Error! Bookmark not defined...... 2. نظریه‌های ایرانشهری:

Error! Bookmark not defined...... 3. سلطنت در نظریه‌های اهل سنت و شیعه:

defined.

Error! Bookmark not defined...... صفویه و قاجاریه:

Error! Bookmark not defined...... 1. سلسله مراتب نظم کیهانی:

Error! Bookmark not defined...... 2. پدیده شر:

Error! Bookmark not defined...... 3. پیوند دین و سلطنت:

Error! Bookmark not defined...... 4. هیبت سلطانی و ظلّ الّلهی:

Error! Bookmark not defined...... 5. سلطان؛ ظلّ الله:

Error! Bookmark not defined...... 6. سلطنت عطیه‌ای الهی:

Error! Bookmark not defined...... 7. سلطنت و امامت:

Error! Bookmark not defined...... گفتمان سلطنت‌محور در دوره مشروطه:

Error! Bookmark not defined...... قانون:

Error! Bookmark not defined...... حریت:

Error! Bookmark not defined...... مساوات:

Error! Bookmark not defined...... جمع‌بندی:

Error! Bookmark not defined. فصل سوم: گفتمان قانون محور

Error! Bookmark not defined...... مقدمه:

Error! Bookmark not defined...... نفوذ غرب:

Error! Bookmark not defined...... روشنفکران:

Error! Bookmark not defined...... قانون محوری در اندیشه‌های آخوندزاده

Error! قانون محوری در اندیشه‌های مشیرالدوله (1243-1298 ق):

Bookmark not defined.

Error! قانون محوری در اندیشه‌های مستشارالدوله (1240-1313 ق):

Bookmark not defined.

قانون محوری در اندیشه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله (1212-1287 شمسی)

Error! Bookmark not defined......

Error! Bookmark not defined...... حریت:

Error! Bookmark not defined...... 2- آزادی عقائد

Error! Bookmark not defined...... 3- آزادی قول:

Error! Bookmark not defined...... مساوات:

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی:

Error! Bookmark not defined. فصل چهارم: گفتمان شریعت محور

Error! Bookmark not defined...... مقدمه:

Error! Bookmark not defined...... پیشینه:

Error! Bookmark not defined...... متکب اصولی و دال مرکزی شریعت:

Error! Bookmark not defined...... نائینی و تلقی دینی از مشروطه:

Error! Bookmark not defined...... استبداد از نگاه نائینی:

Error! Bookmark not defined...... استبداد شرک عملی:

Error! Bookmark not defined......نائینی و مسئله آزادی:

Error! Bookmark not defined......نائینی و مسئله مساوات:

Error! Bookmark not defined......قانون در امور شرعی و عرفی:

Error! Bookmark not defined......مفهوم ولایت در اندیشه‌ی نائینی:

Error! Bookmark not defined......ولایت تشریحی فقیه:

Error! Bookmark not defined......1- مبادی بحث در مورد ولایت فقیه:

Error! Bookmark not defined......2- ادله‌ی ولایت فقیه:

Error! Bookmark not defined......مبانی نائینی در امور حسبیه:

Error! Bookmark not defined......شریعت محوری در اندیشه‌های آخوند خراسانی:

defined.

Error! Bookmark not defined......مشخصه‌های مکتب سیاسی شریعت محور خراسانی:

defined.

Error! 1 - عقل گرایی و مکتب اصولی (ارتقای نقش عقل در اجتهاد و سیاست):

Bookmark not defined.

Error! 2 - انحصار ولایت در ذات ربوبی و انکار مطلق ولایت مطلقه بشری:

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not 3 - امتناع تحقق «حکومت مشروعه» در عصر غیبت:

defined.

Error! Bookmark not defined......راه حل اول:

Error! Bookmark not defined......راه حل دوم:

Error! Bookmark not defined......نکته دوم:

Error! Bookmark not defined......4 - سیاست ورزی فقیهان:

Error! Bookmark not defined......حریت:

Error! Bookmark not defined......مساوات (برابری) در گفتمان شریعت محور:

Error! Bookmark not defined...... شاه:

Error! Bookmark not defined...... جمع‌بندی:

Error! Bookmark not defined...... فصل پنجم: گفتمان ولایت‌محور

Error! Bookmark not defined...... مقدمه:

Error! Bookmark not defined...... پیشینه:

Error! Bookmark not defined...... مبنای مشروعیت حکومت:

Error! Bookmark not defined...... نظریه ولایت فقیه:

Error! Bookmark not defined...... نظریه ولایت فقیه در دوران قاجاریه:

Error! Bookmark not defined...... صاحب جواهر و نظریه‌ی ولایت فقیه:

Error! Bookmark not defined...... مبانی فکری نظریه‌های شیخ فضل‌الله نوری

Error! Bookmark not defined...... مجتهد تبریزی:

Error! Bookmark not defined...... نظریه ولایت فقیه و شیخ فضل‌الله:

Error! Bookmark not defined...... 1 - دغدغه شیخ:

Error! Bookmark not defined...... 2 - امامت منصوب الهی: نظریه ثابت شیعه:

defined.

Error! Bookmark not defined...... 3 - نیابت انحصاری فقیه در امور اجتماعی، سیاسی:

defined.

Error! Bookmark not defined...... الف) ریاست و مرجعیت فقیه در امور عامه:

defined.

Error! Bookmark not defined...... ب) تصدی امور عامه توسط غیر فقیه؛ غضب منصب الهی:

not defined.

Error! Bookmark not defined...... حریت (آزادی):

Error! Bookmark not defined...... مساوات:

Error! Bookmark not defined...... قانون:

Error! Bookmark not defined.	<u>یک تحلیل:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>شاه:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ریاست و مرجعیت فقیه در امور عامه:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>جمع بندی:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>خاتمه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>عامل اول:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>نخست: زمینه های ذهنی</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>الف: مکتب شیخ انصاری</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ب: مکتب صاحب جواهر</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>دوم: زمینه های عینی</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>عامل دوم:</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>کتابنامه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>الف) کتاب ها</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ب) مجلات</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ج) منابع لاتین</u>

مقدمه:

طرح تفصیلی تحقیق

1- بیان مسئله:

نهضت مشروطه نقطه‌ی عطفی در تاریخ سیاسی ایران معاصر است. هم به این دلیل که اندیشه‌های جدید وارد گفتمان سنتی ایران می‌شود و ارزش‌ها و باورهای متفاوتی مطرح می‌شود و هم این که این مسئله به قیام و اعتراض مردم علیه استبداد (گرچه ناتمام ماند) منتهی می‌شود. این نهضت نقطه‌ی تلاقی اندیشه و گفتمان‌های مختلفی بود: از جمله: 1) غرب‌زدگی و غرب‌گرایی و به تبع آن آزادسازی جامعه از استبداد و سکولار کردن جامعه و حکومت. 2) اسلام‌گرایی سنتی و مخالفت با مظاهر مدرنیته و تمدن غربی 3) نوگرایی اسلامی که در پی نسبت‌سنجی، تطبیق و تبیین باورها و اندیشه‌های غربی با اندیشه‌های اسلامی بود. 4) سلطنت‌محوری و اعتقاد به وضعیت موجود که در ادامه‌ی استبداد کهنه‌ی سلطنتی در ایران بود.

هر یک از این رویکردها به دنبال بسط و گسترش اندیشه‌ها و باورهایش در جامعه بود. نکته‌ی مسلم این است که این موارد در نهضت ناتمام مشروطیت سهیم بودند و بخشی از جامعه را رهبری و جهت‌دهی می‌کردند. اما هیچ یک نتوانست نبض اجتماع را به دست بگیرد و در نتیجه اختلافات آنان برجسته شد و نهضت مشروطیت ناتمام و ناموفق ماند. این که دلایل اختلاف میان آنان چه بود و چه برداشتی از مشروطیت داشتند، زمینه‌ی بحث‌های مختلفی را فراهم کرده است. به ویژه اختلاف میان علمای شیعه‌ی طرفدار مشروطه و مشروعه بسیار برجسته می‌نماید که بخش‌های مهمی از دو جریان پیش‌گرفته را رهبری می‌کردند و تأثیر گذار بودند. درباره‌ی دلایل اختلاف علما و مجتهدان در نهضت مشروطیت دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی طرح شده است. شماری به مبانی دین‌شناسی و انسان‌شناسی آنان تمسک جسته و معتقدند که هر کدام از آنان با توجه به معلومات پیشین خود در مورد مشروطه اظهار نظر کرده است و از آن جا که دیدگاه‌هایشان در مورد دین و انسان و پیشینه‌ی فکری آنها با یکدیگر متفاوت بوده است به نتیجه‌گیری دیگری رسیده و بنابر این در این باره اختلاف نظر پیش آمده است.¹

1- حسین آبادیان، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، چاپ اول، تهران: نشر نی، 1374، ص 20.

در هر حال با توجه به این نکته که نهضت مشروطیت یکی از تاثیرگذارترین مقاطع تاریخی ایران معاصر است، پرداختن به این موضوع حائز اهمیت بوده و در این راستا لازم است که به مولفه‌ها و عناصر فکری گفتمان‌ساز در این دوره پرداخت. در این تحقیق تلاش می‌شود که با استفاده از روش تحلیل گفتمانی به چهار گروه فکری سلطنت‌محور، ولایت‌محور، شریعت‌محور و قانون‌محور که نقش بسیار مهمی در پیدایش این نهضت داشتند پرداخته شود. ضمن اینکه تأکید بیشتر ما بر دو گفتمان شریعت‌محور و ولایت‌محور می‌باشد.

2- علت انتخاب موضوع و اهمیت آن:

مهم‌ترین دلیلی که سبب نگارش این پژوهش گردید این است که مباحث فکری و سیاسی امروز جامعه‌ی ایران به نوعی در امتداد همان اندیشه‌های سیاسی موجود در نهضت مشروطه است. از یک طرف جایگاه دین در حکومت و از طرفی دیگر مباحثی چون آزادی و سکولاریسم در جامعه‌ی امروز ما مطرح می‌باشد. تمامی این مباحث در دوران مشروطیت نیز به نحوی مطرح بوده. بنابر این می‌توان گفت که مباحث و نظریات سیاسی مطرح‌شده در حال حاضر به نوعی به مباحث و اندیشه‌های سیاسی زمان مشروطیت ارجاع داده می‌شود. بنابر این لازم است که به این موضوع پرداخته شود.

3- سابقه پژوهش:

در مورد نهضت مشروطه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته اما تاکنون به نظر نمی‌رسد که از زاویه‌ی تحلیل گفتمانی به این پدیده‌ی مهم اجتماعی در ایران پرداخته شده باشد.

4- سؤال اصلی:

گفتمان‌های فعال در نهضت مشروطه ایران چیست؟

5- فرضیه‌های پژوهش:

به نظر می‌رسد که در نهضت مشروطه چهار گفتمان نقش اساسی را ایفا کردند که عبارتند از: 1- گفتمان سلطنت‌محور 2- گفتمان قانون‌محور 3- گفتمان شریعت‌محور 4- گفتمان ولایت‌محور

6- مفاهیم

6-1- گفتمان (Discourse)

واژه‌ی گفتمان (Discourse) از جمله مفاهیم مهمی است که در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی غرب، خصوصاً در نیمه‌ی دوم قرن بیستم اهمیت به‌سزایی داشته است.

واژه‌ی Discourse در زبان فارسی به صورت‌های مختلفی ترجمه شده است که هر یک ممکن است به جای خویش صحیح و معتبر بنماید. از جمله معادل‌های فارسی این لغت عبارتند از نطق، خطاب، سخن، گفتار و گفتمان. نظر به این که استعمال چهار واژه‌ی نخست با توجه به کاربردهایی که در زبان فارسی برای این واژگان وجود دارد، تا حدودی ممکن است غیر قابل تحدید باشد، بنابر این معادل فارسی گفتمان برای واژه‌ی Discourse ترجیح داده شده است.²

اصل این مفهوم در زبان‌شناسی به کار گرفته شده است اما بعداً متفکرانی چون میشل فوکو، دریدا، دیوید هوارث و اخیراً نیز "لاکلاموف" مفهوم گفتمان را وارد مباحث سیاسی اجتماعی کرده و سعی نموده‌اند که به تحلیل تحولات سیاسی اجتماعی از طریق این روش بپردازند.

به باور این عده گفتمان بیان‌گر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی، چیزهای گفته شده و چیزهایی که ناگفته باقی مانده است می‌باشد. توجه به این نکته ضروری است که در درون گفتمان‌های متفاوت، جهان به صورت‌های مختلف و متفاوت درک می‌شود.³

گفتمان‌ها سازنده‌ی معنا و ارتباطات اجتماعی است، شکل دهنده‌ی ذهنیت و نیز از درون گفتمان‌های مختلف معنا و تاثیر خود را تغییر می‌دهند به عبارت دیگر گفتمان‌ها امکانات تفکر را تعیین می‌کنند. آنها کلمات را از طریق راههای ویژه تنظیم و ترکیب کرده و مانع ترکیبات دیگر شده یا آنها را جابجا می‌نمایند.⁴

2- حمید عضدانلو، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی در باره‌ی گفتمان، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی 103، فروردین 1375، ص 48.

3- جمیله کدیور، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، انتشارات طرح نو، ص 28.

4- همان، ص 49.

6-2- مشروطه:

این واژه در مورد محدودیت قدرت سیاسی است. که خود تبدیل به یک نظریه شده است. این نظریه در مورد دولت مطلقه بنیان شد. از این رو، مفهوم محدودیت، مهم‌ترین مشغله‌ی فکری آن گردید. در این نظریه چنین استدلال می‌شود که دولت پدیده‌ای است که خواستار قدرت هرچه بیشتر است، بنابر این، باید آن را محدود و مقید کرد. به این ترتیب نظریه‌ی مشروطه درکی جدید از قانون ارائه کرد، این نظریه قانون اساسی را به گونه‌ای سابق بر پیدایش دولت تلقی می‌کند. از این رو محدودیت‌های برخاسته از آن مستقل و مجزای از دولت در نظر گرفته می‌شود. و در نتیجه قانون اساسی بر هر شکل خاصی از حکومت برتری دارد.⁵

از آنجا که کانون اصلی نظریه‌ی مشروطیت، محدودیت و پراکندگی اقتدار سیاسی است، تمامی زوایا و استدلال‌های این نظریه، حول آن محور می‌چرخد. از این رو اساس بدنه‌ی این نظریه را می‌توان در دو محور محدودیت‌های حقوقی، تاریخی و محدودیت‌های اخلاقی، فلسفی بیان کرد.⁶

بنابر این حکومت مشروطه به معنی جلوگیری از قدرت و سلطنت بی‌حدومرز حاکمان می‌باشد.

6-3- سلطنت:

این واژه در مورد حکومت پادشاهان به کار گرفته می‌شود. بر این اساس حکومت‌ها در دست پادشاهان بوده و این سلسله به صورت موروثی به پادشاه بعدی منتقل می‌گردد. به لحاظ قدمت حکومت سلطنتی از قدیمی‌ترین نوع نظام‌های حکومتی می‌باشد. در ایران نیز تا قبل از جمهوری اسلامی چنین نظامی حاکم بود.⁷

در این نظام الوهیت زمامدار محور اساسی بود و به تعبیر دیگر پادشاه یا سلطان را ظل الله می‌خواندند. بنابر این پادشاه مافوق همه چیز و همه کس می‌باشد و هیچ قانونی مافوق او وجود ندارد و اصلاً خود او قانون است.

6-4- قانون:

منظور از قانون در این پژوهش آن دسته از قواعدی است که طبیعت روشنفکر و سکولار در زمان مشروطه به دنبال آن بودند. این گروه تحت تاثیر غرب با ساختن واژه‌های منورالفکر و روشنفکر در توصیف خویش از همه‌ی آرای غربی‌ها به ویژه روشنگری فرانسوی آموختند که تاریخ نه آن طور که روحانیون معتقد بودند نمایش

5 - اندرو وینسنت، نظریه‌های دولت، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران، نشر نی، 1372، ص 125.

6- همان، ص 976.

7- حسین آبادیان، مبانی نظری حکومت مشروطه مشروعه، چاپ اول، تهران: نشر نی، 1375، ص 21.

اراده‌ی خداوند، و نه آن طور که وقایع‌نگاران دربار لاینقطع اظهار می کردند ظهور و سقوط سلسله‌ها، بلکه بیشتر سیر مداوم پیشرفت بشر است. روشنفکران بدین سان، دنیویت، مشروطیت و ناسیونالیسم را سه وسیله حیاتی برای توفیق خود در جهت ایجاد ایرانی نوین قرار دادند.⁸ یکی از رهبران این طیف فکری ملکم خان بود. وی که تحصیل‌کرده‌ی غرب بود به دربار شاه نفوذ کرد و با جلب نظر شاه برای وی دفتر تنظیمات تهیه کرد. این دفتر ملهم از "تنظیمات" معاصر در امپراتوری عثمانی بود، این طرح با این هشدار آغاز می‌شود که کشور به زودی به کام قدرت‌های بیگانه فرو خواهد رفت مگر آن که شاه فوراً دستور آغاز اصلاحات را صادر کند. ملکم خان برای این اصلاحات و ضوابط واژه‌ی قانون را وضع کرد تا آنها را هم از احکام مذهبی (شریعت) و هم از مقررات قدیم دولتی (عرف) متمایز سازد.⁹ بنابر این این گروه قوانین غربی را تنها وسیله‌ی پیشرفت می‌دانستند.

6-5- ولایت

منظور ولایت فقیه است. این نظریه ریشه در تفکرات شیعه دارد. و آن بدین معناست که در عصر غیبت امام زمان(عج) ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی از آن فقها به عنوان نمایان آن حضرت می‌باشد. در طول تاریخ تشیع نیز فقها اگر چه به طور مستقیم صاحبان حکومت نبودند اما به گونه‌ی غیرمستقیم نقش به‌سزایی در حکومت‌ها داشته به گونه‌ای که روحانیون به عنوان یک نیروی مردمی پناهگاه مردم در مقابل استبداد شاهان بوده‌اند.

سازمان دینی و روحانیت تنها یک کارکرد سیاسی و اجتماعی دارد که همانا واسطه شدن میان حکومت و مردم است. در واقع روحانیت سپر مردم و در برابر حکومت واقع می‌شوند. تا بتوانند از استبداد حکومت‌های شاهنشاهی بکاهند. این نقش را فقهای دین به عهده می‌گرفتند. آنان قدرت خود را از مردمی بودن خود و عقل عرفی خود به دست می‌اورند. هرگاه این قدرت ضعیف می‌شد، استبداد ویرانگر اوج می‌گرفت. هرگاه هرج و مرج حکومتی به وجود می‌آمد، باز این فقها بودند که نظم اجتماعی و سیاسی را به میزان توان خود نگه داشتند.¹⁰

8 - پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی کاظم فیروزوند، محسن مدیرشانی و حسن شمس‌آوری،

نشر مرکز، تهران، 1380، ص 56.

9 - پیشین، ص 60.

10 - محمد فیاض، مجله‌ی پگاه حوزه، شماره‌ی 187، تیرماه 85، ص 3.

نظریه‌ی ولایت فقیه که رقیب سیاسی نظریه‌ی شاهنشاهی بود، از همین نقش اجتماعی فقها به وجود آمده است که در فقه اسلامی و شیعی ریشه دارد و هم‌زمان با شروع دوران دوم پادشاهی ایران یا پادشاهی پس از اسلام یا عهد صفویه رشد خود را آغاز کرد (محقق کرکی یا محقق ثانی)، این نظریه پیش از اسلام وجود نداشت، چون اسلام و تشیعی در کار نبود. بنابر این، پیش از اسلام، نظریه‌ی عرفانی، سیاسی نظریه‌ای بی‌رقیب بود.¹¹ با پیروزی مکتب اصولی در آغازین سال‌های حکومت قاجار (فتحعلی شاه)، نظریه ولایت فقیه نیز اوج گرفت (در زمان نراقیین)؛ ولی آنچه ولایت فقیه به فضای یک چارچوب جامع تئوریک و نظریه‌ای وارد می‌کند نخست دایره‌المعارف و دانشنامه‌ی فقه استدلالی شیعه یعنی جواهرالکلام است و سپس اصول عملیه‌ی (شیخ انصاری). دانشنامه‌ی فقهی جایگاه ولایت فقیه را روشن می‌کند و اصول عملیه چارچوب آن را معین می‌سازد.¹² اصول عملیه اصول برگرفته از زندگی انسان‌هاست، به همین دلیل بر غلبه و عمومیت استوار است که مبنای آن عقل زندگی یا عقل فطری است (که گاهی به آن عقل سلیم گفته شده است). به عبارتی اصول فقه با رفتن به طرف اصول عملیه، به دنبال بنیان‌گذاری فلسفه‌ی اجتماعی برای برخورد با جهان جدید یا غرب آن روز بود (چنان که پرداختن به مکاسب محرمة و بیع و خیارات در فقه، نشان‌دهنده این است، چون همه از عقود است). اجماع، اصالت اشتغال، اصالت برائت و استصحاب، از اصول عملیه‌ای است که می‌تواند مبنای فلسفه اجتماعی واقع شود. اجماع که مبنای اجتماعی آن، عقل سلیم یا عقل فطری است، مبنای آن امامت است. (انسان کامل و امام به عنوان ذاکر فطرت مردم و صاحب فطرت) که به انتخاب مردم برای ولایت فقیه جهت‌دهی می‌کند و رابطه‌ی مردم و نخبگان را سامان می‌بخشد و اصالت اشتغال را بر عهده‌ی رهبران جامعه می‌گذارد که باید ذمه‌ی خود را مشغول شدید قرار دهد (از زندگی پایین) و احتیاط را شعار و پیشینه‌ی خود سازند؛ ولی برای آن که اصالت برائت را شامل ذمه‌ی مردم سازند و مردم در آسایش و آرامش به سر برند و پویایی جامعه که از راه اجماع (نخبگان) و اصالت برائت مردم به وجود آمده است، با استصحاب به پویایی در حال اثبات قرار می‌دهد، پس دچار بحران نمی‌شود، بلکه جامعه‌ی مبتنی بر ولایت فقیه، نه دچار رکود (مثل استبداد) می‌شود و نه بحران (مثل دوران اضمحلال استبداد).¹³

11 - پیشین، ص 3.

12 - پیشین، ص 3.

13 - پیشین.

ایجاد اصول عملیه، تحرک اجتماعی جامعه‌ی اسلامی را در پی داشت ولی با منحرف کردن آن توسط انگلو ساکسون‌ها در دوران مشروطیت، این تحرک فلسفی با رکود مواجه شد. به همین دلیل برخی از فقها در مقام ولایت فقیه، با مشروطیت مخالفت کردند. شخصیت بارز این عرصه را می‌توان شیخ فضل الله نوری نامید. تا آن که امام خمینی رحمه الله علیه، دوباره به بازسازی نظری آن اقدام کرد و به جای خود بازگرداند. در بعد ساختاری نیز به مخالفت با رژیم مشروطه‌ی سلطنتی پهلوی می‌پرداخت و جمهوری اسلام را بر اساس اصول عملیه مذکور بنا کرد و مصلحت‌گرایی را در جهت منافع مردم، با توجه به اصالت برائت و اصل لاضرر فقهی، برای جمهوری اسلامی لازم دانست و این را معنای ولایت فقیه معرفی کرد.

6-6- شریعت:

منظور از شریعت مجموعه‌ی قوانین و حدودی است که دین برای مردم مشخص کرده است. قوانینی که منشاء وجودی آنها خداوند است، زیرا خداوند به عنوان خالق انسان‌ها بهتر از دیگران نسبت به راه‌های سعادت و خوشبختی انسان‌ها در دنیا و آخرت آگاه است. بدین دلیل هم او تنها می‌تواند قوانین الهی را تدوین نماید. بنابر این شریعت عبارت است از مجموعه‌ی قوانینی که در کتاب قرآن به پیامبر(ص) نازل گردید. و پیامبر(ص) نیز به عنوان فرستاده او به اجرای آن پرداخت. بعد از پیامبر(ص) این امر به عهده‌ی ائمه‌ی معصومین(ع) بوده و در عصر غیبت نیز بنابر حدیثی که از امام عصر(عج) روایت شده (مقبوله‌ی عمر بن حنظله) و دیگر دلایل نقلی و عقلی بر عهده‌ی فقهاء دین می‌باشد.¹⁴ در این پژوهش منظور از شریعت نظریه‌ای خاص است که معتقد است در دوران مشروطه تنها دغدغه‌ی علمای دین فقط اجرای شریعت می‌باشد و این که چه کسی در راس حکومت به عنوان مجریان شریعت باشند، لزوماً وجود فقیه لازم نمی‌باشد. این نظریه در واقع در مقابل نظریه‌ی ولایت فقیه قرار می‌گیرد چون در آن نظریه در راس حکومت می‌بایست ولی فقیه به عنوان مجری مشروع به اجرای احکام دین و شریعت پردازد.

مرحوم نائینی را می‌توان به عنوان نظریه‌پرداز شریعت‌محور دانست. فقهایی که تحت تاثیر مکتب شیخ انصاری رحمه الله علیه قرار داشتند بیشتر این نظریه را دنبال می‌کنند. زیرا مکتب شیخ انصاری بیشتر دغدغه‌ی اجرای شریعت داشته است و به نوعی شریعت‌محور است. این گروه در بحث ولایت فقیه متمرکز نمی‌شوند و

14 - محمد تقی آملی، المکاسب والبیع، تقریرات درس آیت الله نائینی، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین، 1375،

بیشتر از نگاه نظریه‌ی حسیه و یا جواز تصرف به ولایت فقیه می‌نگرند. در این مکتب فقهای چون میرزای قمی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی، آیت الله نائینی و آیت الله خوئی قرار دارند.¹⁵

اما به نظر می‌رسد در مسئله‌ی مورد نظر عوامل عینی نقش داشته‌اند. آیت الله نائینی در نجف بود و اساساً توجه نداشت که در تهران مشروطه به دو گونه فهمیده می‌شود. در حالی که این مسئله برای شیخ فضل الله نوری در حین نهضت روشن شد و باعث تحول اندیشه‌ی شیخ به مشروطه‌ی مشروعه و نهایتاً حرمت مشروطه گردید.¹⁶

7- سئوالات فرعی پژوهش:

- گفتمان سلطنت‌محور چیست؟ و نوع نگاه آنها به مشروطه چگونه است؟
- گفتمان قانون‌محور چیست؟ و نوع نگاه آنها به مشروطه چگونه است؟
- گفتمان ولایت چیست؟ و نوع نگاه آنها به مشروطه چگونه است؟
- گفتمان شریعت‌محور چیست؟ و نوع نگاه آنها به مشروطه چگونه است؟

8- پیش فرض پژوهش:

در ابتدای نهضت مشروطه آن دشمن مشترکی که سبب شد تمامی گفتمان‌های مختلف حول یک محور به مبارزه با سلطنت قاجار پردازند، استبداد بود. بنابر این استبدادستیزی در آن روز به عنوان یک دغدغه، هویت جمعی گفتمان‌های مختلف قانون‌محور، شریعت‌محور و ولایت‌محور را به وجود آورد و در نهایت عامل اصلی در پدید آمدن نهضت مشروطه گردید. اما پس از پیروزی مشروطیت و غالب شدن فضای استعاری آن زمان تضادهای درونی گفتمان‌های مختلف فعال در نهضت مشروطه پدیدار گشت و همگی آنها برای به کرسی نشاندن اهداف و اندیشه‌های خود و دستیابی به هژمونی به مخالفت با یکدیگر و رقابت و مبارزه پرداختند. مضاف بر اینکه گفتمان سلطنت‌محور نیز کماکان در صدد حفظ وضع استبدادی خود بود.

9- روش پژوهش:

روش پژوهش در این جا به صورت توصیفی تحلیلی مبتنی بر تحلیل گفتمان می‌باشد.

15 - با استفاده از مطالب درسی استاد دکتر لکزائی، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، پائیز 1383.

16 - پیشین.

10- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها:

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش روش گفتمانی می باشد.

11- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است.

12- سازماندهی پژوهش:

از آنجا که در این پژوهش از روش تحلیل گفتمانی استفاده می‌شود لذا در ابتدا فصل اول را به گفتمان و مفاهیم آن اختصاص دادیم تا بدین وسیله روش گفتمان روشن گردد. پس از آن بر این اساس که چهار گفتمان سلطنت‌محور، قانون‌محور، شریعت‌محور و ولایت‌محور را در مشروطه موثر دیدیم لذا فصول بعدی را به ترتیب به گفتمان سلطنت‌محور و ریشه‌های فکری نظام سلطنت و فصل سوم را به گفتمان قانون‌محور و ریشه‌های فکری و طرز تلقی آنها از مشروطیت و فصل چهارم را به گفتمان شریعت‌محور و طرز تلقی آنها از احکام دینی و فصل پنجم را به گفتمان ولایت‌محور و نوع نگاه آنها به دین و مسئله‌ی ولایت فقیه اختصاص دادیم. در خاتمه‌ی پژوهش نیز به نتیجه‌گیری از اختلاف این گفتمان‌ها رسیدیم.

فصل اول:

کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری

مقدمه

یکی از متدهای تحقیق روش گفتمان است. گفتمان ریشه در نظریات متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران دارد. در حال حاضر دو تن از دانشمندان علوم اجتماعی به نام‌های لاکلا و موف پیشتاز این نظریه هستند. آنها از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریات متفکران فوق الذکر نظریه‌ی گفتمان خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (1985) شکل داده‌اند. به اعتقاد یورگنسن و فیلیپس (2002) نظریه‌ی لاکلا و موف ریشه در دو سنت نظری ساختگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد.

لاکلا و موف معتقدند هیچ چیزی وجود ندارد که تحت تاثیر عوامل دیگر هویت‌دار نشوند. بلکه هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی شده‌اند کسب می‌گردد. از این رو تمامی تحولات اجتماعی را باید در درون گفتمان خاص خود نگاه کرد. بنابراین نهضت مشروط نیز به عنوان یک تحول بزرگ سیاسی، اجتماعی در ایران می‌تواند در چارچوب گفتمان به گونه‌ای شفاف مورد بررسی قرار گیرد. ما نیز در این فصل برآنیم که ابتدا به توضیح نظریه‌ی گفتمان پردازیم تا بتوانیم موضوع مورد بحث یعنی مشروطه را در این قالب فکری به بوت‌های آزمایش بگذاریم.

1- تعریف گفتمان:

واژه گفتمان "Discourse" از جمله مفاهیم مهمی است که در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی غرب، خصوصاً در نیمه‌ی دوم قرن 20 اهمیت به سزایی داشته است. این لغت در زبان فارسی به صورت‌های مختلفی ترجمه شده که هر یک ممکن است به جای خودش صحیح و معتبر بنماید. از جمله معادل‌های فارسی این لغت عبارتند از نطق، خطاب، سخن، گفتار و گفتمان. نظر به این که استعمال چهار واژه‌ی نخست با توجه به کاربردهایی که در زبان فارسی برای واژگان وجود دارد، تا حدودی ممکن است غیرقابل تحدید باشد، بنابر این معادل فارسی گفتمان برای واژه‌ی Discourse ترجیح داده شده است.

واژه‌ی گفتمان دارای معانی متعددی است. در واقع هرگاه این واژه را در کاربردهای متفاوت آن در رشته‌های تخصصی مختلف مورد بررسی قرار دهیم، ابهام در معنا یا معانی متضاد آن را مشاهده خواهیم کرد.¹⁷ این واژه به لحاظ لغوی از کلمه‌ی لاتین Discourse گرفته شده و به معنای آنجا رفتن است یعنی تلفیقی از Dis به معنی در جهات مختلف و Courrer به معنی دویدن یا سریع حرکت کردن است.¹⁸ بر اساس نوشته‌ی لغت‌نامه‌ی وبستر واژه‌ی Discourse برای اولین بار در قرن چهاردهم در کتاب‌ها ثبت شده، در مقابل معنای باستانی و غیر مستعمل گفتمان (توانایی فرد در ارائه‌ی فکری منسجم و منظم) که بعدها به معنی تبادل نظر از راه کلام به کار می‌رفت، معنای جدید آن به بیان منظم، منسجم و مطول از یک فکر در مورد موضوعی اشاره دارد.¹⁹

بر اساس تعریف دیگری، هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بیانجامد، در چارچوب گفتمان قابل بررسی است؛ به عبارتی؛ "وقتی که ما با افرادی که متفق‌النظرند، صحبت می‌کنیم یا با کسانی که با ما اختلاف نظر دارند، جدل می‌کنیم، این اعمال را از طریق زبان انجام می‌دهیم. ما حرف می‌زنیم، می‌نویسیم، بحث می‌کنیم، و بدینوسیله ارتباط برقرار می‌کنیم. افراد حتی ایده‌های خود را در تصاویر، موسیقی، رقص و حرکت، در اشکال مادی شامل مجسمه‌سازی، معماری و ابزارآلات مجسم می‌سازند. تمام شکل‌های ارتباط فرهنگی می‌توانند به عنوان گفتمان تلقی شوند، معنایی که در بر گیرنده‌ی انسان‌هایی است که به تبادل معانی پیرامون جهانی که در آن زندگی می‌کنند، می‌پردازند.²⁰

از این نظر باید گفت که گفتمان ریشه در مباحث زبان‌شناسی دارد. اما بعداً متفکرانی چون میشل فوکو و دیگران از این قالب (گفتمان) برای تحلیل مسایل سیاسی و اجتماعی استفاده نمودند. فوکو سعی در طرح نظم‌های گفتمانی زیرین آنها دارد و تولیدات و تغییرات آنها را به فرایندهای گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی که جزیی از آن هستند، مرتبط می‌سازد.

-
- 1- کریستوفر نوریس، "گفتمان به دیده‌ی کریستوفر نوریس"، گفتمان، شماره‌ی صفر، بهار 1377، ص 19.
 - 2- حمید عضدانلو، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره‌ی گفتمان، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی 103، فروردین، 1375، ص 48.

19- Marriam webester, s, collg iare Dicionary ctenthedition U.S.A; 1993, p. 3310.

20 - اریک برنز، میشل فوکو، ترجمه‌ی بابک احمدی، تهران: نسل قلم، 1373، ص 8.

در حال حاضر نیز لاکلا و موف دو نفر از پژوهشگرانی هستند که به بسط گفتمان و مفاهیم آن در امور سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. ما نیز در این پژوهش برآنیم که با استفاده از گفتمان لاکلا و موف به بررسی نهضت مشروطه در ایران بپردازیم.

نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف بر آن است تا از همهی امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه دهد. از دیدگاه نظریه‌ی گفتمان امور اجتماعی به مثابه‌ی ساختهای گفتمانی قابل فهمند. در واقع همهی پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با ابزارهای تحلیل گفتمانی تحلیل و بررسی کرد. آنها از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران نظریه‌ی گفتمان خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (1985) شکل داده‌اند.

نظریه‌ای لاکلا و موف ریشه در دو سنت فکری ساختگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد.²¹ مارکسیسم مبنای اندیشه در امر اجتماعی را برای این نظریه فراهم آورد و زبان‌شناسی ساختگرایی سوسور نظریه‌ی معنایی مورد نیاز این دیدگاه را در اختیار قرار می‌دهد. آنها با هم آمیختن این دو دیدگاه به نظریه‌ای پس‌ساخت‌گرایانه دست یافته‌اند که مطابق آن کل حوزه‌ی اجتماع به مثابه‌ی شبکه‌ای از فرایندهای متفاوت دریافت می‌شود که در آن معنی تولید می‌شود. در این جا ابتدا نظریه‌ی معنایی و مفهوم گفتمان از نظر لاکلا و موف و سپس جنبه‌های سیاسی، اجتماعی این نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

لاکلا و موف نظریه‌ی معنایی و مفهوم گفتمان را بسیار وام‌دار سنت زبان‌شناسی ساختگرایی هستند که فردینان دوسوسور بنیاد نهاد. از نظر سوسور، نشانه‌ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه‌ی ارجاع به جهان خارج بلکه از طریق رابطه‌ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می‌کنند به دست می‌آورند. سوسور مهره‌های شطرنج را مثال می‌زند. ارزش هر مهره یا نشانه در درون نظام نشانه‌شناختی شطرنج ارتباط با شکل یا جنس مهره ندارد بلکه هر مهره ارزش و معنای خود را به واسطه‌ی ارتباطی که با بهره‌ای دیگر دارد کسب می‌کند.²²

از نظر لاکلا و موف نیز هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد. به عبارت دیگر فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب

21 - محمدرضا تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، 1378، ص 16.

22 - دیوید هوارث، نظریه‌ی گفتمان، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، مترجم، سید علی اصغر سلطانی، ص 152،

شماره‌ی 2.

گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می کند.

برداشتی که لاکلا و موف از گفتمان دارند مویده شخصیت رابطه‌ای²³ هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد، باید شناخت.²⁴

از این رو به اعتقاد لاکلا و موف دیگر هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به بقیه‌ی پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد. بلکه هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی²⁵ شده‌اند کسب می‌گردد. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند هویت نوینی را کسب می‌کنند.

2- مفاهیم گفتمان:

مفصل‌بندی: 26

همان‌گونه که بیان شد هیچ چیز اصیل و بنیادینی وجود ندارد که به پدیده‌های اجتماعی معنا و هویت ببخشد بلکه هر مفهومی در میدان و شبکه خاص خودش معنا می‌دهد. در هر گفتمان عناصر متفاوتی وجود دارد که شاید جدا از هم بی‌معنا باشند اما وقتی در کنار یکدیگر در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند هویت نوینی را کسب می‌کنند لاکلا و موف برای ربط دادن و جوش دادن این عناصر به هم از مفهوم مفصل‌بندی استفاده می‌کنند به عبارتی دیگر هر عملی که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند به نحوی که هویت و معنای این عناصر در نتیجه‌ی این عمل تعدیل و اصلاح شود، و به آنها هویتی نو بدهد مفصل‌بندی نامیده می‌شود.²⁷

23 - relational.

24 - دیوید هوارث، مجموعه‌ی مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، ترجمه‌ی امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، 1378، ص 45.

25 - articulation.

26- articulation.

27 - دیوید هوارث، پیشین، ص 53.

گفتمان: 28

کلیت ساختار دهی شده‌ای که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها از مجموعه‌ای از اصطلاحات تشکیل می‌شوند که به شیوه‌ای معنادار به هم مرتبط شده‌اند در واقع گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و ... هستند، که پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند.²⁹

عناصر: 30

نشانه‌ها پیش از جذب شدن در مفصل‌بندی در نظام گفتمانی یک عنصر هستند. هر نشانه‌ای که وارد این شبکه شده و در آن جا به واسطه‌ی عمل مفصل‌بندی با نشانه‌های دیگر جوش بخورد به یک لحظه تبدیل می‌شود. بنابر این دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آنها تثبیت نشده است و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادهی به آنها دارند، عنصر هستند.³¹

لحظه‌ها: 32

دال‌ها و عناصری هستند که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند. برای مثال آزادی در گفتمان لیبرالیسم کلاسیک در معنای عدم اجبار خارجی موقتاً تثبیت شده است. باید توجه داشت که معانی و هویت‌ها همواره نسبی هستند و امکان تغییر آنها بر حسب تغییر گفتمان وجود دارد. هیچ‌گاه معنا کاملاً تثبیت "Fix" نمی‌شود.

28- discourse.

29 - سید محمدعلی حسینی‌زاده، نظریه‌ی گفتمانی و تحلیل سیاسی، فصل‌نامه‌ی علوم

سیاسی، شماره‌ی 28، ص 189.

30- elements.

31- Laclau & Mouffe. 2001, *Hegemony & socialist strategy*, London: verso, wzd.

32- moments.

انسداد و توقف³³:

تعطیلی موقت در هویت بخشی و نشانه‌ها و تثبیت موقت معنای یک نشانه در یک گفتمان یا به طور کلی تثبیت گفتمان، که البته هیچ‌گاه کامل نیست و همواره نسبی و موقتی است. هر عنصر زمانی که به لحظه تبدیل می‌شود موقتاً از شناور بودن خارج شده و معنایی ثابت می‌گیرد.³⁴

دال مرکزی³⁵

این مفهوم را لاکلا و موف از لاکان وام گرفته‌اند. به این ترتیب که معنای نشانه‌های درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی (دال مرکزی)، به طور جزئی تثبیت می‌شود. نقطه‌ی مرکزی نشانه‌ی برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند به عنوان مثال در اسلام سیاسی به مثابه‌ی یک گفتمان، "اسلام" دال مرکزی محسوب می‌شود و در لیبرالیسم "آزادی"، بنابر این هسته‌ی مرکزی منظومه‌ی گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و جاذبه‌ی این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند.

دال شناور³⁶:

دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه‌ی خاص خودشان معنا ببخشند، نقاط مرکزی نیز دال‌های شناور محسوب می‌شوند ولی تفاوت در این است که نقطه‌ی مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به حالت انجماد درآمده است ولی دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های رقیب برای تثبیت معنا شناور و مطلق است.³⁷

میدان گفتمانگونی³⁸:

دایره‌ای از معانی بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند و مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید محسوب می‌شوند. هر دال معانی متعددی می‌تواند داشته باشد و هر گفتمان با تثبیت یک

33- clouser.

34 - سید علی حسین‌زاده، پیشین، ص 191.

35- nodapiont.

36- Floating signifier.

37- سید محمدعلی حسینی‌زاده، پیشین، ص 193.

38- Field of discursivity.

معنا، معناهای بالقوه‌ی زیادی را طرد می‌کند. این معانی همچنان موجودند و امکان ظهور در گفتمانی دیگر و شرایطی دیگر را دارند.³⁹

منازعه و خصومت⁴⁰:

این مفهوم در ادامه‌ی مفهوم قبلی مطرح می‌شود. بر این اساس که گفتمان‌ها ثابت و همیشگی نبوده و اموری نسبی هستند، بنابر این همیشه با دیگر گفتمان‌های رقیب در حال تخاصم و رقابت هستند تا به هژمونی و قدرت مسلط تبدیل شوند.⁴¹

هژمونی⁴²:

نقطه‌ی عزیمت دیگر گفتمان حرکت از ساخت‌گرایی مارکسیستی به پسا ساخت‌گرایی است. لاکلا و موف از طریق خوانش انتقادی مارکسیسم سنتی و به کمک ربط دادن یافته‌هایی که از نظریه‌ی مارکسیستی به دست آورده‌اند با مباحثی که در خصوص شیوه‌های تشکیل معنا و مفهوم گفتمان داشته‌ایم سعی کرده‌اند نظریه‌ی گفتمانی به دست دهند که برای تبیین کل امور اجتماعی و به ویژه امور سیاسی کارایی داشته باشد. آنتونیو گرامشی دریافت که تنها با ایدئولوژی‌هایی که ریشه در اقتصاد دارند نمی‌توان وضعیت طبقه‌ی حاکم را توضیح داد. از این رو مفهوم هژمونی را برای تبیین فرایندهای روبنایی که در خلق آگاهی مردم نقش دارند به کار برد. هژمونی را به بهترین وجه می‌توان به منزله‌ی سازماندهی اجماع دانست.⁴³

هژمونی به کمک تثبیت معنا حاصل می‌شود. از این رو موفقیت طرح‌های سیاسی را به واسطه‌ی توانایی‌شان برای تثبیت نسبی معنا در بافتی مشخص و محدود می‌توان سنجید. نظریه‌پردازان گفتمان این را هژمونی می‌نامند. انجماد ظاهری یک حوزه‌ی گفتمانی حاصل راه‌کارهایی است که برای کسب هژمونی طراحی شده‌اند. به این ترتیب از نظر لاکلا و موف هژمونی زمانی حاصل می‌شود که دال خاصی به مدلولش نزدیک شود و اجماع بر سر معنای آن نشانه حاصل شود. مثلاً آنچه که در نهضت مشروطه رخ داد این بود که اجماع قابل توجهی بر سر

39- سید محمدعلی حسینی‌زاده، پیشین، ص 190.

40- antagonism.

41 - با استفاده از مطالب درسی استاد دکتر لکزایی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، پاییز 83..

42- hegemony.

43 - محمدرضا رنجبر، بررسی نگرش‌های گروه‌های عمده‌ی سیاسی به اندیشه‌های امام خمینی(ره).

پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، 1383، ص 24.

نشانه‌ی مبارزه با استبداد و ظلم و ستم شاه حاصل شد و در واقع دال مبارزه با استبداد به مدلولش هرچند به صورت موقت چسبید و با ایجاد نوعی انسداد نوعی هژمونی حاصل شد.

روی دیگر هژمونی ساختارشکنی⁴⁴ است که در نتیجه آن دال از مدلول جدا شده و هژمونی از بین می‌رود. آنچه که پس از مشروطیت رخ داد و بازگشت دوباره به استبداد صورت گرفت ساختار شکسته شدن این دال یعنی مبارزه با استبداد بود. به این ترتیب تولید معنا ابزاری مهم برای اثبات روابط قدرت به شمار می‌آید. از طریق تولید معنا، روابط قدرت، طبیعی و هم‌سو با عقل سلیم جلوه داده می‌شود تا از نظرها پنهان بماند.

گرامشی با به کارگیری مفهوم هژمونی رابطه‌ای دیالکتیک بین زیربنا و روبنا ایجاد کرد. اما لاکلا و موف این دو لایه را در هم ادغام کردند و اصالت را به فرآیندهای گفتمانی و سیاسی داده‌اند. از نظر لاکلا و موف این مفصل‌بندی‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند ما چگونه فکر و عمل کنیم و بدین ترتیب است که جامعه شکل می‌گیرد.⁴⁵ تأکیدی که لاکلا و موف بر گفتمان دارند نباید باعث شود که تصور کنیم در نظریه آنها همه چیز در زبان خلاصه می‌شود و مادیات هیچ اهمیتی ندارند. سیاست⁴⁶ از نظر لاکلا و موف معنایی عام دارد و به حالتی باز می‌گردد که ما مداوماً به شیوه‌ای اجتماع را می‌سازیم که شیوه‌های دیگر را طرد می‌سازد.⁴⁷ در واقع مطابق دیدگاه آنها سیاست سازمان دادن به جامعه شیوه‌ای خاص است به نحوی که شیوه‌های ممکن دیگر را نفی و طرد می‌سازد. بدین ترتیب گفتمان‌های مختلف ممکن است بر سر سازمان‌دهی جامعه به شیوه‌ی خاص خودشان با هم به رقابت و مبارزه برخیزند کما این که در نهضت مشروطه گروه‌های متحد به رقابت با یکدیگر پرداخته و هر کدام از گفتمان‌های سلطنت‌محور، قانون‌محور، شریعت‌محور و ولایت‌محور در صدد دست یافتن به هژمونی به مبارزه با یکدیگر برخاستند.

گفتمان‌های عینیت یافته 48:

گاه به نظر می‌رسد که فضای حاکم بر ما و رفتارهای اجتماعی ما چنان طبیعی به نظر می‌رسند که امکان تصور جای‌گزینی برای وضع موجود غیرممکن می‌گردد. به گفتمان‌هایی این چنین در نظریه گفتمان، گفتمان‌های

44- deconstruction.

45 - محمدرضا رنجبر، پایان‌نامه کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، 1383.

46- politics.

47- Jorgensen, Marianne & Philips, Louise, Discourse Analysis as theory & method, London, sage publications.

48- objective discourses.

عینیت یافته گفته می‌شود.⁴⁹ گفتمان‌های عینیت یافته آن‌چنان تثبیت شده به نظر می‌رسند که محتمل الوقوع بودن آنها و امکان زیر سؤال بردنشان تقریباً غیرممکن می‌نماید. عینیت نتیجه تاریخی فرایندها و نزاع‌های سیاسی است؛ عینیت گفتمان رسوب کرده⁵⁰ است. و در نتیجه، مرز میان عینیت و امر سیاسی مرزی سیال و تاریخی است.⁵¹

مفهوم هژمونی میان عینیت و امور سیاسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که عینیات ممکن است دوباره سیاسی شوند، نزاع‌های شدید نیز ممکن است جای خود را به عینیات و بدیهیات بسپارند. در این حالت نگرش‌ها طبیعی جلوه کرده، اجماع غالب می‌گردد. گذر از نزاع سیاسی به عینیت در شرایط مداخله هژمونیک⁵² حاصل می‌شود. در این حالت شیوه‌های مختلف فهم از جهان سرکوب شده و فقط یک نگرش خاص طبیعی و غالب می‌گردد.⁵³

مفهوم قدرت نزد لاکلا و موف بسیار شبیه مفهوم قدرت نزد فوکو است. قدرت چیزی نیست که در دست بعضی‌ها هست و در دست بعضی‌ها نیست. قدرت چیزی است که اجتماع را تولید می‌کند. دانش، هویت و موفقیت فردی و اجتماعی ما ساخته و پرداخته قدرت است. رهایی از چنبره‌ی قدرت غیرممکن است چون سراسر زندگی فردی و اجتماعی ما را فرا گرفته است. برای زیستن نیاز به رفاه، بهداشت، آموزش و پرورش و نظم اجتماعی داریم و قدرت همه‌ی آنها را برایمان فراهم می‌آورد.

سوژه 54:

مفهوم سوژه نیز از مفاهیم کلیدی نظریه گفتمان است. لاکلا و موف مفهوم سوژه خود را بر اساس سوژه آلتوسر شکل دادند. اما بعد از نگارش کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی نظریات لاکان را وارد نظریه گفتمان کرد تا به سوژه یک ناخودآگاه ببخشد و از آن طریق عمق بیشتری به این نظریه بدهد. سوژه برای لاکان ساخت ناقصی است که همواره تلاش می‌کند به یک کل⁵⁵ تبدیل شود. نظریه‌ی سوژه لاکان با نوزادی آغاز

49 - سید علی اصغر سلطانی، پیشین، ص 29.

50- sedimented.

51 - یورگنسن و فیلیپس، همان، ص 36.

52- hegemonic intervention.

53 - یورگنسن و فیلیپس، همان، ص 37.

54- subject.

55- Whole.

می شود که از محدودیت‌هایش بی‌اطلاع است و در هم‌زیستی با مادر و جهان اطرافش زندگی می‌کند. نوزاد به تدریج از مادر فاصله می‌گیرد ولی خاطره احساس تمامیت و کمال در او باقی می‌ماند. هرچه فاصله سوژه از نوزادی بیشتر می‌شود تلاش می‌کند تا دوباره به تمامیت دوران نوزادی تبدیل شود. وقتی وارد اجتماع می‌شود هویت‌های متفاوتی از طریق گفتمان‌های مختلف به او اعطاء می‌شود. او این هویت‌های خارجی را درونی کرده با تصویری که از نوزادی در حافظه دارد تطبیق می‌دهد ولی در می‌یابد که این دو با هم سازگار نیستند. هویت‌ها و شخصیت‌هایی که اجتماع به فرد می‌دهد هم برای او مرجع شناسایی خود هستند و هم در عین حال منشاء از خودبیگانگی‌اش به شمار می‌آیند. بنابر این سوژه در اساس تکه تکه⁵⁶ است. سوژه همواره در تناقض میان احساس کمال دوران نوزادی و ناسازگاری هویت‌هایی که از اجتماع به او داده می‌شود و مرجع شناسایی او از خود هستند به سر می‌برد. و خود واقعی‌اش هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد. خود واقعی و کامل به اصطلاح لاکلا اسطوره‌ای⁵⁷ بیش نیست.⁵⁸

لاکلا تعبیری این گونه از سوژه را وارد نظریه‌ی گفتمان کرد و به سوژه نیرویی پیش‌راننده بخشید، نیرویی که سوژه را وا می‌دارد و همواره در میان گفتمان‌های مختلف در پی یافتن خودش باشد. سوژه لاکان خود را به واسطه‌ی یک چیز خارجی می‌شناسد و این چیز در نظریه‌ی گفتمان همان موقعیت‌های سوژه است که توسط گفتمان‌ها فراهم آورده می‌شود.⁵⁹

هویت جمعی⁶⁰:

در نظریه‌ی لاکلا و موف هویت جمعی یا تشکیل گروه و هویت سوژه تحت اصول مشترکی شکل می‌گیرند اما مرز میان این دو نوع هویت کدر و مبهم است به عنوان مثال در نهضت مشروطه تمامی گفتمان‌ها در ابتدا حول محور هویت کدر مبارزه با استبداد تجمع نموده و یک هویت جمعی شکل دادند. اما پس از گذشت مدتی که هویت‌ها شفاف گردید دوباره در درون آن گفتمان، گفتمان‌های مختلفی از قبیل قانون‌محور، شریعت‌محور، ولایت‌محور و سلطنت‌محور شکل گرفتند.

56- split.
57- myth.

58 - سید علی اصغر سلطانی، پیشین، ص 15.

59 - همان، ص 9.

60- collective.

هویت سوژه و هویت گفتمان یا هویت جمعی هر دو به واسطه‌ی تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. هویت سوژه به واسطه‌ی تعارض میان ناخودآگاه او و اجتماع اطرافش شکل می‌گیرد و هویت گفتمان به واسطه‌ی دشمن و غیر. در حقیقت، هویت به واسطه‌ی غیریت‌سازی شکل می‌گیرد. در مشروطیت نیز دشمن و غیر در ابتدا استبداد بود اما بعداً که هویت‌ها شفاف گردیدند غیریت‌های جدیدی ساخته شدند. در مباحثی که پیرامون نظریه‌ی لاکلا و موف تاکنون مطرح شد مبارزه بر سر خلق معنا همواره نقشی محوری داشته است. در چارچوب این نظریه، نزاع و تقابل بر کل جامعه سایه انداخته و نیروی پیش راننده‌ی آن است. هیچ گفتمانی نمی‌تواند هرگز کاملاً شکل بگیرد و تثبیت شود زیرا هر گفتمانی در نزاع با گفتمان‌های دیگری است که سعی دارند واقعیت را به گونه‌ای دیگر تعریف کنند و خط و مشی‌های متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه کنند.⁶¹

غیریت‌سازی‌های اجتماعی وقتی پیدا می‌شوند که هویت‌های متفاوتی همدیگر را نفی و طرد می‌سازند. در این بخش سعی شد تا چارچوب اصلی نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موف معرفی شود. و دیدیم که لاکلا و موف از دو نوع ساختگرایی حرکت کرده و با بهره‌برداری و هم‌چنین نقد آنها در نهایت به نظریه‌ای پس‌اساختارگرایانه دست یافته‌اند که مطابق آن کل حوزه‌ی اجتماع به مثابه نظامی تصور می‌شود که در آن معنا تولید و بازتولید می‌شود.

3- تحلیل گفتمانی مشروطیت:

حدوداً از اوایل دوره‌ی قاجار به بعد سنت‌گرایی و تجددگرایی در فضای سیاسی اجتماعی ایران همواره دو نیروی متعارض بنیادین و پیش‌راننده‌ی تحولات اجتماعی بوده‌اند. تحولات اجتماعی ایران از دوره‌ی مشروطه به بعد از سویی ریشه در سنت‌های تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم، به ویژه سنت‌های اسلامی داشته است و از سوی دیگر ریشه در تجددطلبی روشن‌فکران دینی و غیردینی متأثر از غرب. از تلاش‌های عباس میرزا برای مدرن ساختن ارتش بعد از شکست در جنگ با روس و مخالفت روحانیون و مذهب‌یون گرفته تا تقابل میان مشروطه‌خواهان و نیروهای سنت‌گرا جملگی می‌تواند به نحوی تقابل میان سنت‌گرایی و تجددگرایی باشد.⁶²

61 - محمدرضا رنجبر، پیشین، ص 26.

62 - حسین بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره‌ی جمهوری اسلامی، تهران: نشر نی، 1381،

ص 12.

بنابر این می‌توان گفت که تحولات سیاسی اجتماعی در عصر مشروطیت حاصل تضاد میان این سنت و تجدد باشد، منظور از سنت‌گرایی در این جا آن طور که در ادبیات غرب به کار می‌رود نیست بلکه از یک طرف تلاش نیروهای سلطنت‌محور برای حفظ استبداد و از طرف دیگر تلاش نیروهای مذهبی برای بازگشت به اصول و سنت‌های اسلامی است.

تجدد گرایی نیز در این جا اشاره به دیدگاه‌هایی دارد که مبتنی بر استبدادستیزی، انسان‌گرایی، فردگرایی، آزادی، قانون‌گرایی و دموکراسی هستند. البته باید اذعان کرد که دسته‌بندی گروه‌های سیاسی عصر مشروطه صرفاً بر اساس تقسیم‌بندی دوگانه‌ی سنت‌گرا و تجددگرا قطعاً دور از واقعیت است. در این میان گروه‌هایی را می‌توان یافت که مشترکاً هم ویژگی‌های تجددگرایی را دارا هستند و هم ویژگی‌های سنت‌گرایی مثل نیرهای شریعت‌محور و ولایت‌محور که از طرفی بر سنت‌های دینی و اسلامی تأکید داشته و از طرفی بر مبارزه‌ی با استبداد و سلطنت بی‌قید و شرط که از مظاهر تجددگرایی است.

بنابر این آنچه در این جا مدنظر است ویژگی‌های شاخص گروه‌ها و گفتمان‌های سیاسی تاثیرگذار بر نهضت مشروطه است.

تشکیل فضای استعاری 63 گفتمان مشروطه (استبدادستیزی):

همان‌طوری که بیان شد غالب تحولات اجتماعی ایران در اساس ریشه در دو گفتمان سنت‌گرایی و تجددگرایی دارند در عصر مشروطیت زمانی که گفتمان سلطنت‌محور و استبدادی با بحران مشروعیت مواجه شد آرایش خرده‌گفتمان‌های حاضر در عرصه‌ی اجتماعی ایران را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: خرده‌گفتمان‌هایی که ریشه در تجددگرایی داشته‌اند، و خرده‌گفتمان‌هایی که متأثر از سنت‌گرایی بوده‌اند.

دشمن مشترک و نقطه‌ی تخاصم هر دوی این گفتمان‌ها استبدادستیزی بود که این امر به عنوان یک هویت جمعی در فضای استعاری مشروطیت حاصل گردید. بنابر این همه‌ی این گفتمان‌ها تمامی تلاش خویش را صرف از بین بردن استبداد نمودند.

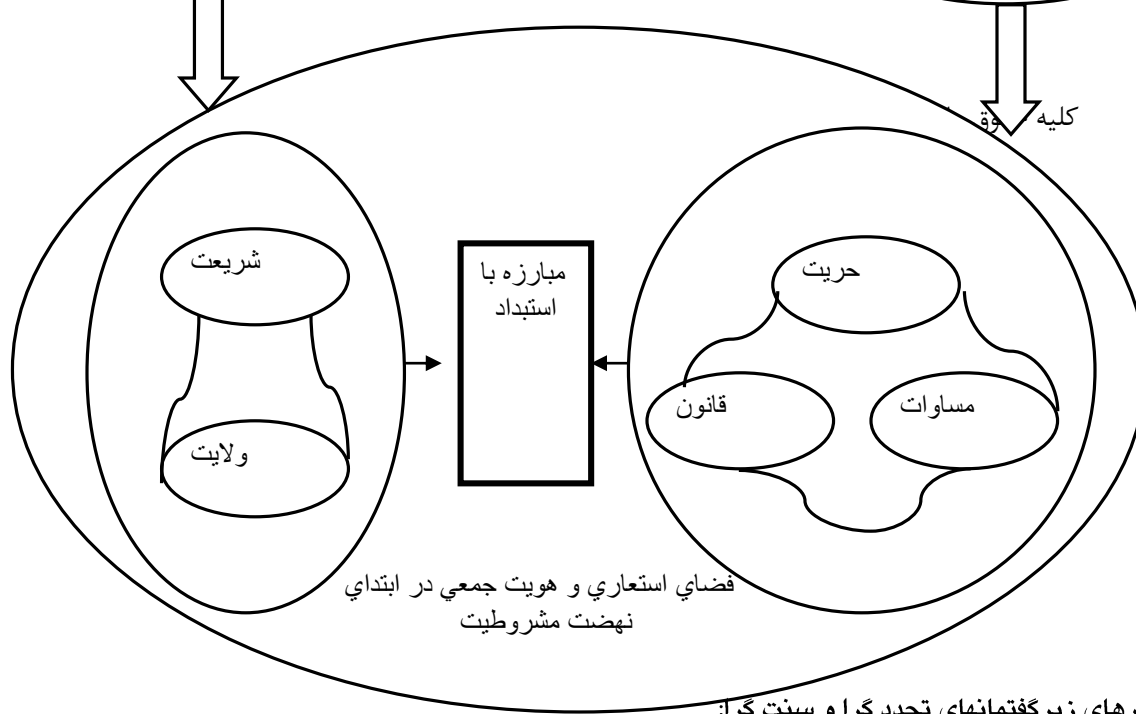
اما پس از پیروزی بر استبداد و غالب شدن فضای استعاری آن زمان به تدریج هویت گفتمان‌های دخیل در مشروطه شفاف گردید. و از آن جایی که هیچ دال مرکزی در هر گفتمان برای همیشه ثابت و استوار نیست از آن به بعد هر یک از خرده‌گفتمان‌های تجددگرا و سنت‌گرا خود تبدیل به گفتمان‌های متخاصم دیگری شدند و از

: metaphorical. 63

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

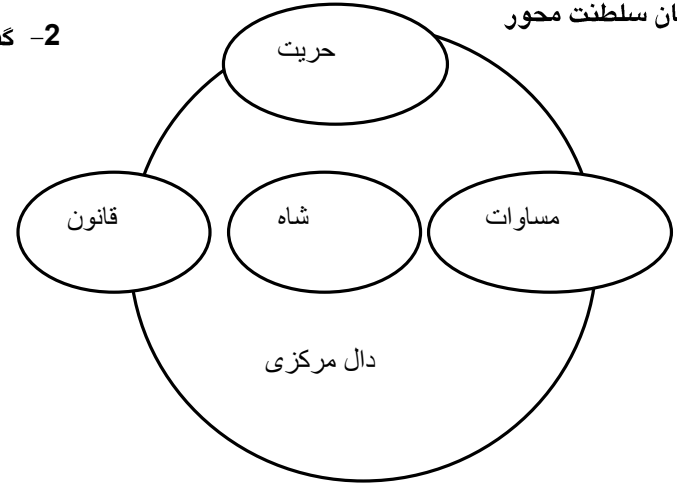
این پس هر یک از آن گفتمان‌ها دال مرکزی جدیدی را برای خود ترسیم می‌کرد. بنابر این همگی به رقابت و تخصص پرداخته تا بتوانند تبدیل به گفتمان هژمون گردند. بر این اساس می‌توان به سه گفتمان شریعت‌محور، قانون‌محور و ولایت‌محور اشاره کرد که هر کدام از این‌ها به دنبال تبدیل شدن به هژمونی بودند. مضافاً بر اینکه گفتمان سلطنت‌محور نیز مثل گذشته به دنبال حفظ وضع موجود و هژمونی خود بود. ما نیز در این پژوهش در فصول جداگانه‌ای به بررسی این چهار گفتمان فعال در نهضت مشروطیت خواهیم پرداخت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

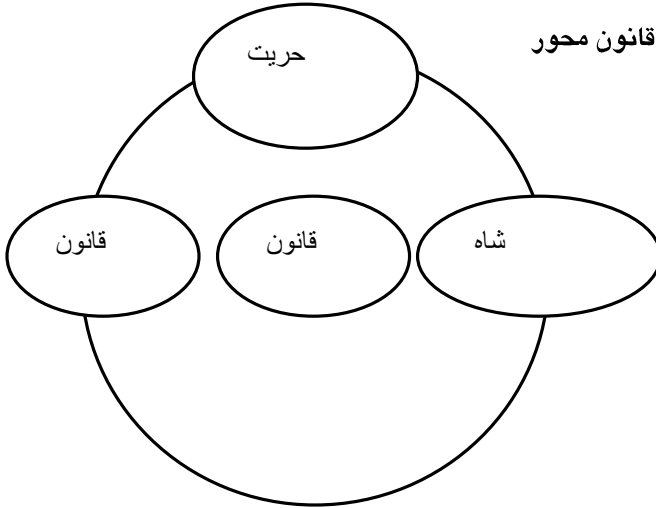


نمودارهای زیر گفتمانهای تجدد گرا و سنت گرا:

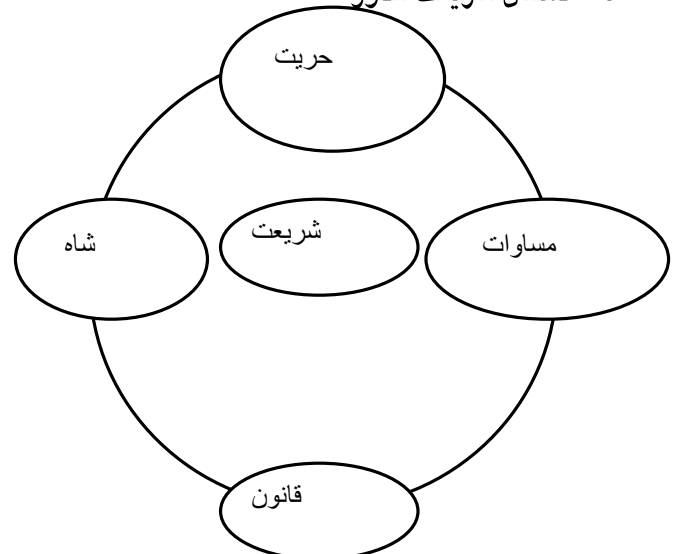
1- گفتمان سلطنت محور



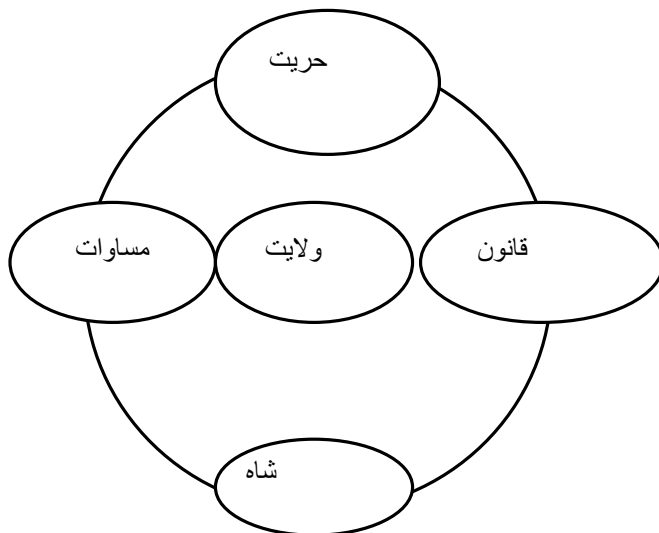
2- گفتمان قانون محور



3- گفتمان شریعت محور



4- گفتمان ولایت محور



جمع‌بندی:

گفتمان یکی از نظریات پست‌مدرن می‌باشد. همان‌گونه که نسبی بودن یکی از ویژگی‌های مهم دوران پست مدرن است. نظریه گفتمان نیز تحولات سیاسی اجتماعی را این چنین می‌بیند. این نظریه که توسط لاکلا و موف بسط داده شده است، بر آن است که از همه‌ی امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه دهد. از دیدگاه نظریه‌ی گفتمان امور اجتماعی به مثابه‌ی ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند. در واقع همه‌ی پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با ابزارهای تحلیل گفتمانی تحلیل و بررسی کرد. در این نظریه گفتمان‌ها مدام در حال رقابت و تخاصم هستند تا بتواند فرد را به نقطه‌ی هژمونیک برسانند. علت تخاصم آنها نیز به نوع اندیشه و نگاه آنها به امور سیاسی، اجتماعی مربوط می‌شود. مشروطه نیز به عنوان یک تحول بزرگ سیاسی اجتماعی در ایران معاصر می‌توان به مثابه چندین گفتمان قرار داد که هر کدام از آن گفتمان‌ها برای تبدیل شدن به هژمونی به رقابت و مبارزه با یکدیگر پرداختند. آن گفتمان‌ها عبارتند از گفتمان سلطنت‌محور، گفتمان قانون‌محور، گفتمان شریعت‌محور و گفتمان ولایت‌محور که هر کدام از آنها از زاویه دید خویش به موضوع مشروطیت می‌نگریستند.